

## رژیم ایران جلا دودکان

رقم اعدام کودکان در ایران ۸ برابر اعدام کودکان در سایر کشورهای جهان است.

رژیم جمهوری اسلامی شکنجه و اعدام را منحصر به مبارزان و فعالین سیاسی یا افراد بزرگسال نمی‌کند، بلکه کودکان را تحت شکنجه‌های روحی و جسمی وادار به اعتراف به جرمی که مرتکب نشده‌اند کرده و طبق قوانین ارتجاعی به اعدام محکوم می‌کند. ایران، سودان، چین، پاکستان، عربستان سعودی از سال ۲۰۰۴ احکام اعدام را علیه کودکان و جوانان به مورد اجرا در آوردند، اکثریت احکام اعدام که کودکان را در بر می‌گیرد احکام قصاص و حد است. طبق گزارش سازمان عفو بین الملل در سال گذشته ۱۷ کودک حکم اعدام گرفتند، از سال ۱۹۹۰، ۲۴ کودک و جوان زیر حکم اعدام هستند که ۱۱ حکم زیر ۱۸ سال و ۱۳ حکم بعد از ۱۸ سالگی به اجرا در آمده است. اعدام سعید قنبر زهی ۱۷ ساله در بلوچستان به جرم به ظاهر دخالت خانواده در انفجار اتوبوس بوده است. در حالی که بنا به امضای کنوانسیون نهاد بین الملل سن کیفری کودکان از ۱۸ سال در نظر گرفته شده و "ایران جلا دودکان" این مصوبه را به امضا رسانده، مجازات کیفری عملاً برای دختران از ۹ سال و پسران از ۱۵ سال کما فی سابق ادامه دارد. ایران از ۱۳۸۵ مسئول ۷۳٪ اعدام کودکان در دنیا بود. از فروردین ۱۳۸۷، ۱۰۷ کودک در انتظار اجرای حکم اعدام به سر می‌برند. جرم این کودکان، درگیری، قتل، قاچاق و از این جمله اعلام شده است. عا طفه رجبی که در ۱۳ سالگی توسط سپاه ( امر به معروف ) در سنده چندین بار دستگیر شده و حکم شلاق و زندان گرفته و توسط یکی از نیروهای سپاه مورد تجاوز قرار می‌گیرد. این کودک که دچار اختلال مشاعر بوده، توسط قاضی حاجی رضائی ( رئیس دادگستری نکا) در ملا عام به دار آویخته می‌شود. کودکان افغانی را که به طور قاچاق وارد ایران کرده و برای حمل یا فروش مواد مخدر از آنان سو استفاده می‌کنند، در صورت دستگیری خطر اعدام آنان را تهدید می‌کند. تاکنون ۲ کودک افغانی در ایران اعدام شده و ۱۵ کودک دیگر زیر حکم اعدام به سر می‌برند. اما رژیم برای پوشاندن رسوائی خود فریبکارانه اعلام می‌کند: تا به حال حکم اعدام در مورد هیچ کودکی اجرا نشده و نخواهد شد. زیر پرونده‌ها نوشته میشود: حکم دادگاه بنا به اقرار صریح متهم در کلیه موارد جرم، به اجرا در خواهد آمد. رضا موسوی شیرازی در ۲۰ سالگی در زندان عادل آباد شیراز به اتهام ارتکاب جرمی در ۱۶ سالگی اعدام می‌شود. ۱۷ مهر حکم اعدام نو جوانی ۱۷ ساله در همین زندان به وکیلش ابلاغ می‌شود. نوجوانی که از سن ۱۵ سالگی به جرم قتل در زندان به سر می‌برد. انسان ها به اتهام عملی که در کودکی انجام داده‌اند به قتل می‌رسند. این کودکان با هرو روز بزرگ شدن یک روز به اعدامشان نزدیک تر می‌شوند. سوا ی این که کشتن انسان، آن هم بنام به اصطلاح جامعه، جنابیتی آشکار است، چگونه کودکی را که هنوز به رشد عقلانی نرسیده متهم به جرمی می‌کنند که او قدرت تشخیص آن را به عنوان جرم ندارد. باید پرسید چرا کودکی که به درس و بازی و تفریح مشغول است مرتکب باصطلاح جرمی میشود؟ آیا در اجتماعی که انسان آزاد و برابر و از رفاه بر خوردار باشد جرم مفهومی دارد؟ وقتی کودک برای تامین خانواده نان آور شده، به خاطر فقر خانواده مجبور به تن فروشی میشود، زیر پل می‌خوابد، در سرما و گرما همپای پدر و مادر کارگری می‌کند، و وقتی که از رویاهایش می‌پرسند از یک شکم سیر و خانه گرم و مدرسه رفتن صحبت می‌کند؛ در حالی که این‌ها حق طبیعی هر انسان است. چنین کودکی را با رویاهایش به مرگ محکوم می‌کنند و به پای چوبه دار می‌برند. صدای بهنام زارع را فراموش نمی‌کنیم که طلب آزادی، طلب زندگی‌اش، کودکی‌اش و تمامی رویاهایش را می‌کرد.

مجازات اعدام که حذف فیزیکی یک مجرم یا متهم به جرم است، مسلماً باعث از میان رفتن ریشه‌ها و روابط اجتماعی که منجر به جرمی می‌شود، نمی‌گردد. درست برعکس، این روابط اجتماعی و قدرت دولتی نگهبان آن است که خود منشا جرم ها است. این رژیم است که جرم و مجرم را باز تولید می‌کند.

اینک سخنگوی رژیم اسلامی اعلام می‌کند که حکم اعدام برای کودکان منتفی شده و کودکان بز هکار به بهزیستی‌ها تحویل داده شده، و حکم اعدام به حبس ابد و تا ۱۱ سال تخفیف داده خواهد شد. چه بزرگ وار و بخشنده هستند این جلا دها و جانپیان. در همین بهزیستی‌ها است که کودکان را با ضرب و شتم، آزار روحی و جسمی میدادند و میدهند. در همین زندان‌ها هست که کودکان را مورد تجاوز جنسی قرار میدهند و حتی به حمل مواد مخدر در خود زندان وادار می‌کنند.

از طرفی رژیم اسلامی آنقدر به توهم مردم دامن زده و جامعه را به سمت پدرسالاری سوق داده که کار بیدادگاه‌های اسلامی را راحت تر کرده است، بطوری که مردان خانواده خود دست به و قصاص و سنگسار می‌زنند. و از طرف دیگر برای رهائی از اعدام جلب رضایت اولیا دم شرط قرار داده می‌شود. این بار رژیم جنابیت، مردم را به قتل و امیدارد، و رضایت خانواده مقتول را راه نجات قاتل!!! قرار می‌دهد. در حال حاضر ۱۰ نو جوان ( دلارا دارابی، صغری نجف پور، بهنود شجاعی، محمد فدایی، ابومسلم سهرابی، امیر امرالهی، محمدرضا حدادی، بهمن سلیمیان و رحیم احمدی و ...) زیر حکم اعدام هستند که برای لغو حکمشان باید رضایت اولیای دم جلب شود. رژیم مردم را در برابر هم قرار میدهد، شمشیر قتل و جنایت‌اش را بدست کسی دیگر میدهد و به دنبال شریک جرم می‌گردد.

باید این تبهکاری را نقش بر آب کرده، شمشیر را برگردانده و بر قلب حکومت جهل و ستم فرو نشانند. باید کینه را بر سر جمهوری ارتجاع ریخت، نه این که حکم بر نیستی انسانی دیگر داد.

به جای این که دست به دامن سازمان‌های حقوق بشر و کمک آمریکا و اروپا شد، باید درد را از ریشه درمان کرد. در آمریکا هنوز انسان‌ها را به صندلی الکتریکی می‌بندند و از خانواده مقتول هم دعوت میکنند که جنایت را به تماشا بنشینند. در زندان‌های عراق و افغانستان و اسرائیل و... شاهدیم که به چه روش و متدی به شکنجه و آزار انسان‌ها می‌پردازند. درمان درد در برانداختن نظامی است که به این جنایات منجر می‌شود. آنجا که سرمایه در قدرت است، زندان و سرکوب و جنایت و قتل عام دولتی وجود دارد.

باید این رژیم سرمایه را نابود کرد و دنیائی آفرید شایسته انسان که در آن کودک انسان است و نه ابزاری برای تولید. تا نظام سرمایه پابرجاست کودکان کارگر، فقر، گرسنگی، کارتون خوابی، اعدام، قتل، اعتیاد، سنگسار روزانه رودرروی کودکان است.